

تأسیس دادگاه تجارت جهانی؛ خاستگاه و توسعه رکن استیناف سازمان جهانی تجارت

پیتر فان دن بوشه^۱، ترجمه امیر رضا زارع اکباتانی^۲

در دهم فوریه سال ۱۹۹۵، سازمان جهانی تجارت با تأسیس رکن جدید گامی بلند به جلو برداشت؛ رکنی که اکنون تبدیل به ابزاری لازم برای دستیابی سازمان به اهداف خود گشته است: «رکن استیناف». این رکن محور اصلی نظام حل اختلاف سازمان جهانی تجارت محسوب می‌گردد و رکن حل اختلاف بدون حمایت آن فاقد کارایی لازم خواهد بود. کسانی که مایل به آشنایی با رکن استیناف باشند می‌بایست از «خاستگاه‌های اولیه رکن»، «وضعیت آن به هنگام تأسیس»، و ساختار و علل موفقیت آن مطلع گردند. عوامل گوناگونی موجب این اهمیت گشته‌اند که از جمله می‌توان به موارد زیر اشاره نمود: «ترکیب رکن»، «آیین دادرسی آن»، «توسل به بازنگری استینافی به صورت معمول و گسترده» و «رویه قضایی این رکن». «تأسیس دادگاه تجارت جهانی؛ خاستگاه و توسعه رکن استیناف سازمان جهانی تجارت»، نوشته دکتر پیتر فان دن بوشه، مقاله‌ای است که خواندن آن جهت داشتن دیدگاهی روشن از عوامل مذکور و همچنین جهت آشنایی با «دادگاه تجارت جهانی» ضروری به نظر می‌رسد.

چکیده

واژه‌های کلیدی:

سازمان جهانی تجارت، تفاهمنامه حل اختلاف، رکن حل اختلاف، رکن استیناف، بازنگری استینافی، تصویب شبهه خودکار.

طبقه‌بندی JEL: K42, K33, K13

۱- این مقاله خلاصه‌ای است از مطلبی تحت عنوان: «از چاره‌اندیشی تا مرکزیت»، که در کنفرانسی در تاریخ یازدهم تا سیزدهم مارس ۲۰۰۵ در استراسای ایتالیا، با عنوان «سازمان جهانی تجارت در یک دهه: نقش نظام حل اختلاف»، ارائه گردید.
۲- استاد حقوق اقتصاد بین‌الملل و رئیس دپارتمان حقوق بین‌الملل و اتحادیه اروپا، دانشگاه ماستریخت؛ مشاور پیشین و مدیر عامل، دبیرخانه رکن استیناف سازمان جهانی تجارت، ژنو.
۳- کارشناس حقوق از دانشگاه تهران- دانشجوی دوره کارشناسی ارشد در گرایش حقوق تجارت بین‌الملل، دانشگاه علامه طباطبایی.

(۱) مقدمه

رکن استیناف سازمان جهانی تجارت، اولین دعوای خود را در سال ۱۹۹۶ استماع و در مورد آن رأی صادر نمود. این رکن تا یکم ژانویه سال ۲۰۰۵، ۶۴ دعوای استینافی را نسبت به گزارش‌های هیأت رسیدگی سازمان جهانی تجارت استماع و در مورد آنها حکم صادر کرده بود. رویه قضایی ایجاد شده توسط رکن استیناف در نه سال گذشته^۱ از هر دو جهت کمی و کیفی تأثیرگذار بوده است. این رویه قضایی، دارای اعتبار بسیار بوده و تاکنون نقش مؤثری در توسعه حقوق تجارت بین‌الملل ایفاء نموده است. آرای رکن استیناف، به عنوان مثال در دعوای US-Shrimp و EC-Asbestos به پیچیدگی‌ها و اختلافات حساس میان دو عضو سازمان جهانی تجارت به نحو مؤثری خاتمه داد. هم هیأت‌های رسیدگی و هم طرفین اختلافات در سازمان جهانی تجارت، در برابر رویه قضایی رکن استیناف از خود تمکین بسیار نشان داده و این روند را همچنان ادامه می‌دهند. رکن استیناف سازمان جهانی تجارت، بی تردید مهمترین ارگان نظام حل اختلاف این سازمان می‌باشد. این رکن، در همه چیز به غیر از نام آن، یک «دادگاه تجارت جهانی» محسوب می‌شود. پرسش کلیدی مطرح شده در این مقاله عبارت از این است که: چه عواملی موقعیت مهمی را که رکن استیناف و رویه قضایی آن از سال ۱۹۹۶ به دست آورده است، توجیه می‌نماید؟ آیا «موفقیت» رکن استیناف و پیدایش آن به عنوان دادگاه تجارت جهانی، از پیش توسط اسناد تشکیل دهنده آن طرح‌ریزی شده بود و یا آن که این موفقیت اصولاً نتیجه عوامل دیگری است که در نه سال گذشته این رکن و رویه قضایی‌اش را تحت تأثیر قرار داده است؟

(۲) خاستگاه‌های اولیه رکن استیناف

تفاهمنامه قواعد و آیین دادرسی حل اختلافات که عموماً از آن با عنوان تفاهمنامه حل اختلاف^۲ یاد می‌شود، در بند ۱ ماده ۱۷ خود بیان می‌دارد که «یک رکن استیناف دائم

۱- این مقاله در سال ۲۰۰۵ نگاشته شده است. ن.ک. زیرنویس، شماره ۱/م.

2- The Dispute Settlement Understanding (DSU)

می‌بایست توسط ارگان حل اختلاف سازمان جهانی تجارت تأسیس گردد». متعاقب این حکم، رکن حل اختلاف در رأی دهم فوریه ۱۹۹۵، رکن استیناف را تأسیس نمود (WT/DSB/1).

تفاهمنامه حل اختلاف یکی از دستاوردهای اصلی دور اروگوئه در راستای مذاکرات تجاری چندجانبه (۱۹۸۶ - ۱۹۹۳) می‌باشد. این تفاهمنامه در حل اختلاف‌های تجاری، نظام مؤثرتری را ایجاد نمود. در مقایسه با نظام حل اختلاف گات، مهمترین نوآوری ارائه شده توسط این تفاهمنامه، به تأسیس شرط «اتفاق آرای معکوس» جهت تصویب گزارش‌های هیأت رسیدگی مربوط می‌شود. دیگر لازم نیست گزارش هیأت رسیدگی چنان که در قواعد حل اختلاف گات لازم بود، جهت تعهد آور بودن از لحاظ حقوقی، «به اتفاق آراء» مورد تصویب قرار گیرد. تحت قواعد تفاهمنامه حل اختلاف، تصویب با «اتفاق آرای معکوس» کفایت می‌نماید. به این معنا که گزارش هیأت رسیدگی به واسطه «اتفاق آرای معکوس» مورد تصویب قرار می‌گیرد، مگر آن که جهت رد گزارش اتفاق نظر وجود داشته باشد. روشن است که حالت دوم بسیار غیر محتمل می‌باشد. در نتیجه، در نظام جدید حل اختلاف سازمان جهانی تجارت، تصویب گزارش‌های هیأت رسیدگی توسط رکن حل اختلاف به صورت شبه خودکار انجام می‌پذیرد.

شرط «اتفاق آرای معکوس» جهت تصویب گزارش‌های هیأت رسیدگی، مشکل به بن بست رسیدن و ضعف نظام حل اختلاف را که در مقررات گات موجود بود، برطرف نموده است. از سوی دیگر، آنچه مذاکره کنندگان را بسیار نگران می‌ساخت، احتمال از دست رفتن کنترل مؤثر بر تصویب گزارش‌های هیأت رسیدگی بود. در این روش دیگر امکان جلوگیری از الزام آور شدن حقوقی گزارش‌های «نامناسب» هیأت رسیدگی وجود نداشت. در نتیجه، به عنوان یک اقدام تأمینی در برابر این نوع گزارش‌ها، مذاکره کنندگان سازوکار بازنگری استینافی را پیش بینی نمودند. تأسیس سازوکار بازنگری استینافی، اقدامی در برابر تصویب شبه خودکار گزارش‌های هیأت

رسیدگی بود. بیشتر مذاکره‌کنندگان، اگر نگوئیم همه آنها، در زمان مؤافقت با تأسیس یک رکن استیناف دائمی که امکان درخواست استیناف از گزارش‌های هیأت رسیدگی را در اختیار طرفین اختلاف قرار دهد، دارای انگیزه اندکی بودند. آنها مطمئناً قصد نداشتند که دادگاهی بین‌المللی و قدرتمند ایجاد نموده تا در رأس نظام جدید حل اختلاف قرار گیرد. به عکس، خواسته آنها تضمین این امر بود که بزرگترین ابداعشان، یعنی تصویب شبه‌خودکار گزارش‌های هیأت رسیدگی توسط رکن حل اختلاف، با اثر جانبی بی‌دفاع ماندن اعضای سازمان جهانی تجارت در برابر گزارش‌های احتمالاً «نامناسب» هیأت رسیدگی، همراه نباشد. حکم تأسیس یک رکن استیناف دائمی جهت برقراری چنین حمایتی، بیش از آن که بیانگر طرحی بزرگ برای ایجاد یک دادگاه بین‌المللی و قدرتمند باشد، نوعی چاره‌اندیشی مؤثر محسوب می‌شد.

۳) رکن استیناف به هنگام تأسیس

این دیدگاه که حکم تأسیس یک رکن استیناف دائمی، بیش از آن که بیانگر طرحی بزرگ برای ایجاد یک دادگاه بین‌المللی و قدرتمند باشد، نوعی چاره‌اندیشی محسوب می‌گردید، در مقررات مربوط به تفاهمنامه حل اختلاف و نیز در حکم صادره در فوریه سال ۱۹۹۵ در مورد تأسیس رکن استیناف، مورد حمایت قرار گرفته است. همان‌گونه که اشاره شد، مبنای تأسیس «یک رکن استیناف دائمی»، ماده ۱۷ تفاهمنامه حل اختلاف می‌باشد. انتخاب واژه غیرجذاب، فنی و غیرروشن «رکن استیناف» به عنوان نام این نهاد جدید، نشانگر اهداف مذاکره‌کنندگان آن است. این که نهاد تازه تأسیس، دادگاه (یا هر چیزی شبیه به واژه «دادگاه» در آن)، تجاری (یا تجدیدنظر)، جهانی (یا بین‌المللی) نام نگرفت، اتفاقی نمی‌باشد. همچنین این امر تصادفی نیست که ماده ۱۷ از افرادی که در رکن استیناف خدمت می‌نمایند با عنوان قاضی یاد نمی‌کند، بلکه تنها واژه «اشخاص» را به کار می‌برد. ماده ۱۷ در ابتدا به صورت بسیار کلی به تشریح کارکرد رکن استیناف به عنوان نهادی که دعاوی تجدیدنظر نسبت به گزارش‌های هیأت رسیدگی را استماع می‌نماید پرداخته است، اما در عین حال، به طور قابل توجهی حوزه بازنگری استینافی

و صدور حکم توسط این رکن را محدود می‌کند. متعاقب بند ۶ ماده ۱۷ تفاهمنامه حل اختلاف، دعاوی تجدیدنظر به موضوعات حقوقی مذکور در گزارش هیأت رسیدگی و تفسیرهای حقوقی تصویب شده از سوی آن نهاد محدود می‌گردد. به طور کلی، آرای هیأت رسیدگی در «موضوعات حقیقی» از بازرسی استینافی در امان است. البته رکن استیناف می‌بایست هر یک از موضوعات مطرح شده در جریان رسیدگی استینافی را مورد توجه قرار دهد، اما در نهایت- با توجه به بند ۱۳ ماده ۱۷ تفاهمنامه حل اختلاف- حکم صادره محدود به تأیید، اصلاح یا نقض آراء و احکام «حقوقی» هیأت رسیدگی می‌گردد. از سوی دیگر، بهره‌گیری از نظام بازنگری استینافی نیز محدود گشته است و تنها طرفین اختلاف می‌توانند نسبت به استیناف از گزارش هیأت رسیدگی اقدام نمایند. به عبارت دیگر، اشخاص ثالث یا سایر اعضای سازمان جهانی تجارت، حتی اگر منافع آنها به روشنی در خطر باشد، نمی‌توانند درخواست رسیدگی استینافی نمایند.

با توجه به بند ۱ ماده ۱۷ تفاهمنامه حل اختلاف، رکن استیناف بایستی متشکل از هفت نفر باشد. در مقایسه با دادگاه‌هایی همچون دیوان بین‌المللی دادگستری^۱، دادگاه بین‌المللی کیفری^۲ و دیوان بین‌المللی حقوق دریاهای^۳ که به ترتیب ۱۵، ۱۸ و ۲۱ قاضی را در بر می‌گیرند، قالب کوچک رکن استیناف سازمان جهانی تجارت قابل توجه می‌باشد. علاوه بر این، بند ۱ ماده ۱۷ بیان می‌دارد که جلسات استیناف، هرگز توسط کلیه اعضای رکن استماع نگردیده، بلکه همیشه تنها توسط سه نفر از هفت شخصی که در این نهاد مشغول به کار هستند، انجام می‌پذیرد. روشن است که اگر کلیه اعضای رکن استیناف در صدور احکام شرکت داشتند، این آراء به نسبت احکام صادره از سوی تنها سه شخص، دارای اعتبار بیشتری بود؛ رقمی که از تعداد نفرات هیأت رسیدگی «تنظیم‌کننده» گزارش تحت استیناف نیز تجاوز نمی‌نماید.

درباره شرایط لازم برای افرادی که در رکن استیناف مشغول به کار هستند، بند ۳ ماده ۱۷ تفاهمنامه حل اختلاف توقعات محدودی را بیان داشته است. این افراد بایستی

1- The International Court of Justice (ICJ)

2- The International Criminal Court (ICC)

3- The International Tribunal for the Law of the Sea (ITLOS)

«اشخاصی معتبر، همراه با خبرگی اثبات شده در زمینه علم حقوق، تجارت بین‌المللی و موضوعات تحت پوشش موافقتنامه‌ها باشند». در مقام مقایسه، دیوان بین‌المللی دادگستری الزام می‌دارد که قضات دیوان باید «برخوردار از شخصیت اخلاقی والا و در عین حال دارنده شرایط لازم جهت انتصاب به بالاترین مشاغل قضایی در کشورهای متبوعشان بوده، یا حقوقدانانی باشند که از شایستگی شناخته شده در زمینه حقوق بین‌الملل بهره‌مند هستند» (همراه با تأکید). همچنین برای قضات دادگاه‌هایی همچون دادگاه بین‌المللی کیفری و دیوان بین‌المللی حقوق دریاها شرط‌هایی عالی در نظر گرفته شده است.

همان‌گونه که در بند ۲ ماده ۱۷ تفاهمنامه حل اختلاف بیان گردیده است؛ اشخاصی که در رکن استیناف مشغول به کار می‌گردند برای یک دوره چهار ساله منصوب می‌شوند که تنها برای یک بار قابل تمدید می‌باشد. این در حالی است که قضات دادگاه‌های دیوان بین‌المللی دادگستری، دادگاه بین‌المللی کیفری و دیوان بین‌المللی حقوق دریاها برای مدت نه سال منصوب می‌گردند که حداقل در دادگاه بین‌المللی کیفری و دیوان بین‌المللی حقوق دریاها می‌توانند پس از اتمام دوره، بار دیگر نیز منصوب شوند. دوره چهار ساله به نحو قابل توجهی کوتاه است و بیانگر قصد اعضاء برای داشتن حد مشخصی از کنترل بر اشخاصی است که در رکن استیناف مشغول به کار می‌شوند، هر چند این راه‌کار در واقع چنین قابلیت‌هایی را در بر ندارد.

بند ۳ ماده ۱۷ تفاهمنامه حل اختلاف، این الزام را در مورد اشخاص مشغول به کار در رکن استیناف بیان می‌دارد که آنها بایستی به صورت تمام وقت و با اندک اشاره‌ای در دسترس بوده و با پیشرفت‌های سازمان جهانی تجارت در زمینه‌های حقوقی و سیاسی همگام باشند. هیچ مقررۀ مشابهی در اساسنامه دیوان بین‌المللی دادگستری، دادگاه بین‌المللی کیفری و دیوان بین‌المللی حقوق دریاها در این ارتباط دیده نمی‌شود؛ چرا که بی‌تردید این امر روشن فرض شده است که قضات این دادگاه‌ها برای انجام کار «در دسترس» بوده و از امور نیز به خوبی مطلع می‌گردند. از طرفی، مذاکره‌کنندگان تفاهمنامه

حل اختلاف، عضویت در رکن استیناف را یک کار تمام وقت ندانسته و بدین جهت «تضمین» دسترسی به اشخاص شاغل در رکن استیناف را جهت استماع و صدور رأی در دعاوی استینافی مفید پنداشته‌اند.

رکن استیناف همچنین در زمینه چارچوب زمانی رسیدگی‌ها، خود را از دادگاه‌هایی همانند دیوان بین‌المللی دادگستری، دادگاه بین‌المللی کیفری و دیوان بین‌المللی حقوق دریاها متمایز می‌نماید. با توجه به بند ۵ ماده ۱۷ تفاهمنامه حل اختلاف، جریان رسیدگی‌های رکن استیناف «در هیچ شرایطی نمی‌تواند از ۹۰ روز فراتر رود». این محدودیت زمانی، در رسیدگی‌های دیوان بین‌المللی دادگستری، دادگاه بین‌المللی کیفری و دیوان بین‌المللی حقوق دریاها، بدون شک در ارتباط با طرفین دعوا و همچنین دادگاه، «غیرمنطقی» تلقی گشته و همواره این احتمال وجود دارد که تأمل مناسب در مورد موضوعات محل اختلاف را در خطر قرار دهد.

بند ۱۰ ماده ۱۷ تفاهمنامه حل اختلاف بیان می‌دارد که جریان رسیدگی‌های رکن استیناف بایستی محرمانه صورت پذیرد. این شرط جامع «رازداری»، به روشنی یادگار روزگاری است که اختلافات تجاری بیشتر از راه گفت‌وگو حل و فصل می‌گردید تا قضاوت. این نوع رازداری، با روند رسیدگی‌های دادگاه‌های بین‌المللی بیگانه است. روند رسیدگی دیوان بین‌المللی دادگستری، دادگاه بین‌المللی کیفری و دیوان بین‌المللی حقوق دریاها علنی است، مگر آن که دادگاه دلیلی برای اتخاذ تصمیم به نحوی دیگر داشته باشد.

در نهایت، گزارش‌های رکن استیناف باید توسط رکن حل اختلاف تصویب گردد و بدون چنین تصویبی، برای طرفین اختلاف از نظر حقوقی الزام‌آور نمی‌باشد. هر چند رکن حل اختلاف این عمل را به روش اتفاق آرای معکوس به انجام می‌رساند و در نتیجه، تصویب از نوع شبه‌خودکار می‌باشد، اما این فرایند همچنان به عنوان نوعی «الزام رسمی» شناخته می‌شود. این در حالی است که قدرت حقوقی آرای دادگاه‌هایی همچون دیوان بین‌المللی دادگستری، دادگاه بین‌المللی کیفری و دیوان بین‌المللی حقوق دریاها

هرگز به تأیید و تصویب یک نهاد سیاسی مشروط نمی‌گردد.

همان‌گونه که بیان شد؛ بند ۱ ماده ۱۷ تفاهمنامه حل اختلاف تأسیس رکن استیناف را به رکن حل اختلاف واگذار نموده و این رکن نیز در اولین جلسه خود در ۱۰ فوریه سال ۱۹۹۵ به این امر رسیدگی نمود. این حکم علاوه بر تأسیس رسمی رکن استیناف، برخی مسائل مربوط به ترکیب آن، شرایط استخدام اعضاء، رهنمودهای مربوط به تعارض منافع اعضای رکن و پشتیبانی از کارکنان، و حمایت‌های اداری و غیر اداری که از این رکن به عمل می‌آید را نیز روشن ساخت. روشنگرانه‌ترین قسمت این رأی، به شرایط استخدام اعضای رکن استیناف مربوط می‌شود. رکن حل اختلاف که صریحاً اعلام داشته بود «مبنای قرارداد استخدامی اعضای رکن استیناف بایستی بیانگر این مسئله مهم باشد که نامزدها از قابلیت بالا و کافی برخوردار هستند»، در عین حال تصمیم گرفت تا اعضاء را به صورت نیمه وقت منصوب نماید. رکن حل اختلاف تناقضی در این امر نمی‌دید. در فوریه سال ۱۹۹۵ اعضای سازمان جهانی تجارت همچنان معتقد بودند که رکن استیناف به آن حد پرکار نخواهد شد تا نیاز به دستور استخدام تمام وقت داشته باشد. رأی ۱۰ فوریه سال ۱۹۹۵ به این ضرورت اشاره نمود که اعضای رکن استیناف بایستی به داشتن «سفرهای دوره‌ای به ژنو» متعهد گردند (همراه با تأکید).

از تحلیل بیان شده در مورد مقررات مربوط به تفاهمنامه حل اختلاف و رأی دهم فوریه سال ۱۹۹۵ رکن حل اختلاف، چنین نتیجه گرفته می‌شود که تصمیم بر تأسیس یک رکن استیناف، مطمئناً بیانگر یک طرح بزرگ برای ایجاد دادگاهی قدرتمند و توانا که قلب نظام جدید حل اختلاف سازمان جهانی تجارت را تشکیل دهد، نبوده است.

۴- پیدایش «دادگاه جهانی تجارت»

در حالی که مذاکره‌کنندگان دور اروگوئه انگیزه‌های کمی برای طرح‌ریزی یک رکن استیناف دائمی داشتند، ولی اکنون این نهاد تبدیل به مرکز ثقل نظام حل اختلاف سازمان جهانی تجارت گشته و از هر نظر به جز نام آن، یک «دادگاه جهانی تجارت» محسوب می‌گردد. عوامل متعددی موجب این اهمیت گشته‌اند که عبارتند از:

۱-۴) ترکیب رکن استیناف

اولین عامل مهمی که موجب برتری رکن استیناف گشته، ترکیب‌های اولیه و متعاقب آن بوده است. رکن حل اختلاف قطعاً اشخاصی «درست» را برای خدمت در رکن استیناف برگزیده است. اگرچه بند ۳ ماده ۱۷ تفاهمنامه حل اختلاف این الزام را بیان می‌دارد که اعضای رکن استیناف بایستی برخوردار از «خبرگی اثبات شده در علم حقوق، تجارت بین‌الملل و به طور کلی موضوعات تحت پوشش موافقتنامه‌ها» باشند (همراه با تأکید)، لیکن تنها تعداد اندکی از هفت عضو برگزیده شده در نوامبر سال ۱۹۹۵ حائز این شرایط بودند. چهار نفر از هفت عضو، در واقع هیچ تخصصی در زمینه حقوق گات نداشتند. تخصص اعضای رکن استیناف که در نوامبر سال ۱۹۹۵ منصوب گردیدند، بیشتر و به طور کلی در زمینه حقوق بین‌الملل، حقوق اتحادیه اروپا، حقوق رقابت، حقوق تجارت، اقتصاد و حل اختلافات و قضاوت در امور ملی و بین‌المللی بوده است. گستردگی و عمق این تخصص غیر مرتبط با گات، اثر مهمی در رویه قضایی اولیه رکن استیناف گذاشت. از آنجایی که بیشتر اعضاء با رویه گات آشنا نبوده و در مذاکرات دور اروگوئه شرکت نداشتند، از عقاید قانع‌کننده‌ای در زمینه حقوق سازمان جهانی تجارت «برخوردار نبودند». همین عامل موجب گردید تا برای اعضای برگزیده شده در نوامبر سال ۱۹۹۵ به نسبت اشخاص کهنه‌کار در مسائل گات، وارد کردن دیدگاه‌ها و گرایش‌های نو در تفسیر و به‌کارگیری قواعد سازمان جهانی تجارت آسان‌تر گردد. با چنین ترکیبی جای تعجب نیست که رکن استیناف در اولین دعوای خود بیان دارد که: بنا نیست که گات ۱۹۹۴ جدای از حقوق بین‌الملل عمومی در نظر گرفته شود.^۱

به استثنای سفیر لاکارته^۲ (که در اواخر دهه ۱۹۴۰ در موضوعات گات دخیل بوده است)، کارکنان این رکن همگی از خارج از ژنو آمده بودند و وضعیت به همین ترتیب نیز باقی ماند. از طرف دیگر، تمامی اعضاء به عمد از جلب توجه خودداری نموده و در مورد احکام صادره خود با هوشیاری به مناظرات عمومی نیبوستند. آنها به دنبال شهرت

۱- گزارش رکن استیناف در دعوای US-Gasoline، ص. ۱۶، به شماره سریال J:۱۹۹۶، ۳، در ۱۶.

نبودند و اگر هم در موقعیت‌های رسمی دیپلماتیک دیده می‌شدند از موارد نادر بوده است؛ این امر، بخشی به علت عدم اقامت دائم در ژنو بود و بخشی دیگر به این خاطر که آنها عامدانه ترجیح دادند تا از این‌گونه موقعیت‌ها فاصله بگیرند. این «دوری‌گزینی» جوئی از ابهت و کاریزما را برای رکن استیناف ایجاد نمود که در تلقی کردن خود به عنوان ارگان عالی حل اختلاف در سازمان جهانی تجارت به کار آمد.

رکن حل اختلاف نه تنها در نوامبر سال ۱۹۹۵ اعضای را منصوب نمود که فاقد تخصصی ویژه در زمینه قواعد گات بودند، بلکه بیشتر اعضای را برگزید که بازنشسته بوده و اگر هم فعالیت یا مسئولیتی داشتند بسیار ناچیز می‌نمود. سفیر لاکارته به هنگام انتصاب در رکن استیناف، ۷۷ و دکتر ال. ناگرا^۱ ۷۵ سال سن داشتند. این که آیا رکن حل اختلاف عمداً اشخاصی را با چنین ویژگی‌هایی برگزیده است یا خیر روشن نیست، اما مطمئناً رکن استیناف با این روش درجه بالایی از قابلیت دسترسی را برای انجام امور جاری خود تضمین نموده است. علاوه بر آن، بیشتر اعضای برگزیده شده در نوامبر سال ۱۹۹۵، اگر نگوییم همه آنها، در ارتباط با اهمیت کاری که به آنها سپرده می‌شد به دیده یک مأموریت می‌نگریستند.

اکنون هیچ یک از آن هفت نفر «نخستین» در رکن استیناف مشغول به کار نیستند. در سال‌های ۱۹۹۹، ۲۰۰۱ و ۲۰۰۳ انتصاب‌های جدیدی در رکن استیناف رخ داد. گرچه متوسط سن اعضای رکن استیناف در حال حاضر پایین‌تر آمده است، اما رکن حل اختلاف همچنان به انتصاب اشخاصی ادامه می‌دهد که در قواعد گات یا سازمان جهانی تجارت تخصص ندارند و یا تخصص‌شان اندک است. خاطر نشان می‌گردد که در میان اعضای که از نوامبر سال ۱۹۹۵ برگزیده شده‌اند، تنها آقای ای. وی. گانسان^۲ و پروفیسور ام. جانو^۳ پیش از انتصاب در رکن استیناف، تجربه عضویت در هیأت رسیدگی را دارا بودند. با وجود این، وسعت و عمق تخصص اعضا هرچند با سازمان جهانی تجارت ارتباط مستقیم نداشت، لیکن به خوبی در رکن استیناف به کار آمد.

1- Dr. El-Naggar

2- Mr. A.V. Ganesan

3- Prof. M. Janow

۲-۴) آیین دادرسی جهت بازنگری استینافی

دومین عامل مهم در دستیابی رکن استیناف به اهمیت کنونی خود، مربوط به آیین دادرسی جهت بازنگری استینافی است که در فوریه سال ۱۹۹۶ توسط این رکن تصویب گردید. تنظیم تفصیلی یک مجموعه آیین دادرسی، اولین مأموریت اعضای رکن استیناف را پس از انتصابشان در نوامبر سال ۱۹۹۵ تشکیل می‌داد. اعضای این رکن در آیین دادرسی تنظیمی خود، با توجه به ماهیت و روند بازنگری‌های استینافی، دست به تصمیم‌گیری‌های بزرگی زدند. طبع قضایی و اهمیتی که به کار گروهی داده شد، دو مشخصه اصلی این رسیدگی‌ها می‌باشند.

همان‌گونه که گفته شد، بند ۱ ماده ۱۷ تفاهمنامه حل اختلاف بیان می‌دارد که استماع و تصمیم‌گیری استینافی توسط کلیه اعضای رکن استیناف صورت نگرفته، بلکه این دعوی توسط یک بخش، متشکل از سه نفر از اعضای رکن استیناف صورت نگرفته، مشغول به کار هستند مورد رسیدگی قرار می‌گیرد. «روش صدور حکم به صورت دوره‌ای» که به وسیله مذاکره‌کنندگان تفاهمنامه حل اختلاف مطرح گردید، می‌توانست مانع مهمی در تشکیل یک رویه قضایی هماهنگ ایجاد نماید. از طرف دیگر، رکن استیناف در آیین دادرسی تنظیمی خود متوجه این خطر گردیده و به آن اشاره نموده است. ماده ۴ آیین دادرسی، با عنوان «مشارکت»، بخش مسئول برای تصمیم‌گیری در دعوی استینافی را پیش از نهایی کردن گزارش استینافی، ملزم به تبادل نظر با سایر اعضای می‌نماید. سازوکار «تبادل دیدگاه‌ها» - که در حل اختلافات ملی و بین‌المللی بسیار منحصر به فرد می‌باشد - به گفته عضو پیشین و رئیس رکن استیناف، پروفیسور کلاز - دیتر اهلرمن^۱، «فوائد بسیاری در عملکرد رکن استیناف به همراه دارد». گرچه مسئولیت صدور حکم، برای بخش رسیدگی‌کننده به قوت خود باقی است، لیکن تبادل دیدگاه‌ها به نحو مؤثری کل رکن را در تک تک دعوی استینافی دخیل می‌نماید.

این روند رکن استیناف را مجاز ساخته است که از وجود هماهنگی و انسجام در رویه قضایی خود اطمینان حاصل نموده و از تخصص فردی و گروهی هر هفت عضو خود بهره‌گیری نماید. بدین ترتیب، سازوکار «تبادل دیدگاه‌ها» به نحو قابل توجهی موجب کیفیت و اعتبار آرای رکن استیناف گشته است.

آیین دادرسی جهت بازنگری استینافی، آن‌گونه که توسط رکن استیناف در فوریه سال ۱۹۹۶ تصویب گردید، مقرراتی را نیز درباره رسیدگی‌های قضایی و یک نهاد استینافی شبیه به یک دادگاه، در بر می‌گیرد. آن‌گونه که مرحوم باب هودک^۱، کارشناس ممتاز در زمینه نظام حل اختلاف گات و سازمان جهانی تجارت بیان نموده است؛ رکن استیناف از ابتدا این موضوع را روشن ساخت که در مقایسه با «استاندارد عملکردی سهل گیرانه معمول در رسیدگی‌های هیأت‌ها، که توسط اعضاء نیز هدایت می‌شوند»، این رکن انتظار «یک استاندارد عملکردی بالا و منصفانه» را دارد. بخش اول آیین دادرسی، به تکالیف و مسئولیت‌های اعضای رکن استیناف پرداخته و با تأکید بیشتری به لزوم استقلال و بیطرفی آنها و همچنین پرهیز از ایجاد تعارض منافع اشاره می‌نماید. رکن استیناف، قواعد رفتاری تفاهمنامه حل اختلاف را به صورت موقت مورد تصویب قرار داد و این اصول را در ضمیمه شماره دو، به مجموعه آیین دادرسی خود ملحق نمود. رکن حل اختلاف تقریباً یک سال بعد، در دسامبر سال ۱۹۹۶، این قواعد رفتاری را به رسمیت شناخته و آنها را در تمامی مراحل حل اختلافات در سازمان جهانی تجارت قابل اجراء اعلام کرد. قواعد رفتاری، آن‌گونه که در مورد اعضای رکن استیناف و دبیرخانه رکن اعمال می‌گردد، به نسبت آنچه در دادگاه‌هایی همچون دیوان بین‌المللی دادگستری موجود می‌باشد، استادانه‌تر تنظیم گشته‌اند. قسمت اول این آیین دادرسی، قواعدی را درباره ترکیب و عملکرد بخش‌های رسیدگی کننده بیان می‌دارد. این امر بسیار قابل توجه است که در انتخاب اعضای هر بخش، به ملیت اعضاء اهمیتی داده نشده است. در دادگاه‌هایی همچون دیوان بین‌المللی دادگستری، دادگاه بین‌المللی کیفری و دیوان بین‌المللی حقوق

دریاه‌ها، ملیت قضات همچنان مورد توجه است. گرچه رکن استیناف بارها اعضای از ملیت‌های یکسان با تجدیدنظر خواه یا تجدیدنظر خوانده را در بر داشته است و حتی در برخی رسیدگی‌ها چنین عضو سرپرستی بخش را نیز عهده دار بوده، اما تاکنون هیچ ایرادی در ارتباط با تبعیض ملیتی در این رکن مطرح نشده است.

بخش دوم از مجموعه آیین دادرسی رکن استیناف، با جزئیات فراوان و توجه ویژه به دادرسی درست، به تشریح روند رسیدگی استینافی می‌پردازد. این مجموعه در ارتباط با شروع به رسیدگی در برنامه کاری جلسه استیناف، اظهارنامه‌های تجدیدنظر خواه و تجدیدنظر خوانده، حقوق اشخاص ثالث، استماع شفاهی، تنظیم و تبادل لوایح، ممنوعیت برقراری ارتباط به نفع یک طرف دعوا، استیناف‌های مشترک، ارسال دعوا به رکن استیناف، اسناد الحاقی و نیز در مورد عواقب عدم حضور و رد تجدیدنظر، قواعد خاصی را مقرر داشته است و ضمیمه شماره یک آن جدول زمانی مفصلی را در بر می‌گیرد. با رعایت چارچوب جدول زمانی کلی، که حداکثر ۹۰ روز بوده و در بند ۵ ماده ۱۷ تفاهمنامه حل اختلاف بیان گشته است، برنامه کاری به طرز نگران‌کننده‌ای با تنگنا روبه‌رو می‌شود. این جدول دارای دوره‌های زمانی بسیار کوتاه است که اطراف دعوی استینافی در آن مدت باید اظهارنامه‌های کتبی خود را ارائه نموده و آن بخش از رکن استیناف که دعوی را استماع می‌نماید می‌بایست در این فاصله زمانی، روند دادرسی شفاهی را اداره کرده، در مورد دعوا مشورت نماید، به تبادل نظر پرداخته، بار دیگر تعمق و مشورت نماید، پیش نویس را تهیه کند، ترجمه‌ها را دریافت کرده و در نهایت گزارش‌ها را منتشر سازد. این مجموعه آیین دادرسی، جای هیچ‌گونه تردیدی را باقی نمی‌گذارد که درست همان‌گونه که از یک دادگاه می‌توان انتظار داشت (و به عکس یک دیوان داور)، آن بخش از رکن استیناف که مسئول رسیدگی به دعوی استینافی می‌باشد (و نه شرکت کنندگان)، به طرز قاطعانه‌ای در کنترل این روند استینافی قرار می‌گیرد. در صورت درخواست شرکت کنندگان، بخش رسیدگی کننده می‌تواند از دوره‌های زمانی مشخص شده در آیین دادرسی فراتر رود، لیکن همچون گذشته، تنها در

صورتی چنین خواهد کرد که شرایطی خاص حاکم بوده و پیروی محض از دوره زمانی مقرر شده در آیین دادرسی، منجر به بی انصافی فاحش گردد. در صورتی که در جریان رسیدگی استینافی مشکلی در ارتباط با مسائل آیین دادرسی بروز نماید که تحت پوشش این مقررات قرار نمی‌گیرد، بخش رسیدگی‌کننده رکن استیناف صلاحیت خواهد داشت که یک قاعده آیین دادرسی دیگر را جهت رسیدگی به آن دعوی تصویب نماید. قواعد آیین دادرسی «در جهت رعایت انصاف و حفظ روندی سالم در عملکرد استینافی»، این صلاحیت را به بخش رسیدگی‌کننده اعطاء نموده است.

آیین دادرسی مصوب فوریه سال ۱۹۹۶ به خوبی در رکن استیناف به کار آمد و این رکن را قادر ساخته است که به نحوی منصفانه، مؤثر و حقیقتاً قضایی به امور جاری خود پردازد. این مجموعه، در سال‌های ۱۹۹۷، ۲۰۰۲، ۲۰۰۳ و ۲۰۰۵ اصلاح گردید. در هر یک از این اصلاحیه‌ها کمبودهای معینی در آیین دادرسی جبران گشته است. این امر به‌ویژه حاصل اصلاحیه‌های انجام شده از سال ۲۰۰۲ می‌باشد که شرکت در روند دادرسی شفاهی را برای اشخاص ثالث آسانتر ساخته است؛ و از سوی دیگر اصلاحیه‌های سال ۲۰۰۵ بود که:

(الف) شرایط رضایت بخش برای درخواست تجدیدنظر را روشن نمود؛

(ب) لزوم اعلام رسیدگی استینافی دیگری را از سوی تجدیدنظرخواهان (در صورت وجود) بیان کرده؛

(پ) مدت زمان تعیین شده برای رسیدگی‌های شفاهی را تعدیل نمود.

این اصلاحیه‌ها و اصلاحات پس از آن، به ماهیت دادگاه‌گونه رکن استیناف و طبیعت قضایی رسیدگی‌های استینافی قوت بیشتری بخشید.

۳-۴) پذیرش قواعد کنوانسیون وین در تفسیر معاهدات

سومین عامل مهم در برتری رکن استیناف، بهره‌گیری زود هنگام و اجرای هماهنگ قواعد تفسیر کنوانسیون حقوق معاهدات وین بوده است. بند ۲ ماده ۳ تفاهمنامه حل

اختلاف در بخش مربوط، تصریح می‌نماید که نظام حل اختلاف در جهت «روشن ساختن مقررات موجود در موافقتنامه‌های تحت پوشش، با توجه به قواعد عرفی تفسیر در حقوق بین‌الملل عمومی» اقدام می‌نماید. پیش از این، رکن استیناف در اولین گزارش خود در دعوی US-Gasoline، این‌گونه رأی داده بود که «قاعده عمومی تفسیر» مذکور در بند ۱ ماده ۳۱ کنوانسیون حقوق معاهدات وین، بخشی از «قواعد عرفی تفسیر در حقوق بین‌الملل عمومی» را تشکیل می‌دهد که این رکن طبق بند ۲ ماده ۳ تفاهمنامه حل اختلاف ملزم به اجرای آن گردیده است. رکن استیناف در دومین گزارش خود در دعوی نوشیدنی‌های ژاپن، این نکته را اضافه نمود که ماده ۳۲ کنوانسیون وین درباره روش‌های مکمل در تفسیر، وضعیت مشابهی با یک «قاعده عرفی تفسیر» پیدا نموده و بنابراین می‌بایست توسط این رکن به کار گرفته شود. رکن استیناف از همان ابتدا جای هیچ‌گونه تردیدی را در مورد قواعد تفسیری بنیادینی که قصد به‌کار بستن آنها را کرده بود، باقی نگذاشت. این رکن، همان‌گونه که ماده ۳۱ کنوانسیون وین بیان می‌دارد، مقررات موافقتنامه‌های تحت پوشش را نیز در هماهنگی با معنی عرفی موردنظر در متن، و با توجه به موضوع و هدف موافقتنامه، تفسیر می‌نماید. درست همان‌گونه که رکن استیناف در دعوی یادشده حکم نمود، ماده ۳۱ کنوانسیون وین مقرر می‌دارد که پایه و اساس فرایند تفسیر در یک موافقتنامه را الفاظ آن موافقتنامه تشکیل می‌دهند. تفسیر باید بر اساس کلیت متن موافقتنامه صورت گیرد و همان‌گونه که رکن استیناف بارها تأکید نموده است؛ تفسیر تنها زمانی معنای حقیقی موافقتنامه متنازع فیه را روشن می‌سازد که با توجه به متنی که در آن به‌کار رفته و موضوع و هدف موافقتنامه در نظر گرفته شود. نتایج این روش تفسیری که تأکید اصلی را بر جمله‌بندی به‌کار رفته در موافقتنامه می‌گذارد، بدون شک در مقایسه با نتایج معمولاً «تعجب آور»، در روش‌های تفسیری دیگر که به عنوان مثال اهمیت کمتری را در برابر موضوع و هدف موافقتنامه به متن آن می‌دهند با سهولت بیشتری مورد قبول طرفین واقع می‌شود. رکن استیناف به واسطه برگزیدن و به‌کارگیری همیشگی روش «تقدم متن در تفسیر»، در دید اعضای سازمان جهانی تجارت

اعتبار و شایستگی اعتماد را برای خود به ارمغان آورده است. گرچه رکن استیناف همواره از قواعد تفسیر کنوانسیون وین پیروی نموده، اما این بدان معنا نیست که در تفسیرها هرگز از این روش برگزیده خویش دور نیافتاده است. بی تردید مواردی وجود دارد که به نظر نمی‌رسد تفسیر ارائه شده توسط رکن استیناف در مورد یک واژه یا عبارت، نتیجه مستقیم به‌کارگیری روش درون متنی باشد. از سوی دیگر، همان‌گونه که رکن استیناف در گزارش دوم خود، در دعوای مذکور بیان داشته است، در تفسیر قواعد سازمان جهانی تجارت این موضوع را باید در نظر گرفت که این قواعد چندان خشک و انعطاف‌ناپذیر نیستند که در رویارویی با جریان بی‌پایان، پیوسته متغیر و پرفراز و نشیب واقعیات، جهت قضاوت‌های معقول در جهان حقیقی و در دعوای حقیقی جایی باقی نگذارند.

۴-۴) توسل به بازنگری استینافی به صورت معمول و گسترده

اگر طرف‌های اختلافات تجاری از امکان تجدیدنظر خواهی نسبت به گزارش‌های هیأت رسیدگی بهره‌گیری نمی‌کردند، یا در صورتی که حق رجوع و یا شرکت در بازنگری استینافی محدود به تعداد اندکی از اعضای سازمان جهانی تجارت می‌گردید، رکن استیناف اهمیت امروزی خود را به‌دست نمی‌آورد. همچنین، در صورتی که تنها تعداد اندکی از موافقتنامه‌ها تحت پوشش بازنگری استینافی قرار می‌گرفتند، باز هم این رکن جایگاه امروزی خود را کسب نمی‌نمود. در نتیجه، چهارمین عامل مهم در دستیابی رکن استیناف به اهمیت کنونی خود عبارت است از تعداد بالای استیناف‌های انجام شده، درصد نسبتاً بالای شرکت اعضای سازمان جهانی تجارت در بازنگری‌های استینافی تا به امروز و همچنین گستره اساسی و جامع رسیدگی‌های استینافی. بین سال‌های ۱۹۹۵ تا ۲۰۰۴ مجموعاً ۶۷ درخواست تجدیدنظر خواهی تنظیم گشته است که وقتی این رقم را با تعداد دعوای ارجاعی به دیوان بین‌المللی دادگستری و دیوان بین‌المللی حقوق دریاها (به ترتیب ۳۷ و ۱۳ دعا)، که در همین فاصله زمانی جریان داشته است مقایسه

نماییم، اهمیت حقیقی آن روشن می‌گردد. از تعداد کل گزارش‌های هیأت‌های رسیدگی که بین سال‌های ۱۹۹۶ تا ۲۰۰۴ به جریان افتاده است ۷۰ درصد مورد استیناف واقع گردیده‌اند. این رقم بی‌تردید رقمی بالاتر از آن چیزی است که مذاکره‌کنندگان دور آروگونه انتظار آن را داشتند. نه تنها درخواست‌های تجدیدنظر بسیاری تنظیم گردید، بلکه همچنین بسیاری از اعضای سازمان جهانی تجارت به نوعی در جریان رسیدگی‌ها شرکت داشتند. از سال ۱۹۹۶ تا ۲۰۰۴، ۱۷ عضو که ۱۱ نفر آنها از کشورهای در حال توسعه محسوب می‌شدند، در یک یا بیش از یک مورد طرف تجدیدنظرخواه بودند. ایالات متحده آمریکا فعالترین کاربر نظام بازرگاری استینافی می‌باشد. این کشور در ۲۱ دعوی استینافی یعنی معادل ۳۱ درصد کل دعاوی، طرف تجدیدنظرخواه بوده است. در فاصله‌ای دورتر اتحادیه اروپا و کانادا در مقام‌های دوم و سوم قرار دارند که به ترتیب در ۹ و ۸ دعوی، طرف تجدیدنظرخواه بوده‌اند؛ به عبارت دیگر، ۱۳ و ۱۲ درصد از کل دعاوی. کشورهای برزیل و هندوستان نیز هر یک در ۵ دعوی طرف تجدیدنظرخواه بوده‌اند. ایالات متحده آمریکا نه تنها فعالترین تجدیدنظرخواه می‌باشد؛ بلکه در جایگاه تجدیدنظرخواندگان نیز بالاترین رتبه را دارا است که باز هم اتحادیه اروپا و کانادا در مقام‌های پس از آن قرار گرفته‌اند. در کل، ۲۶ عضو در جریان بازرگاری‌های استینافی حداقل یکبار طرف تجدیدنظرخوانده بوده‌اند. این گروه، هم کشورهای در حال توسعه و هم کشورهای توسعه‌یافته را شامل می‌گردد. بین سال‌های ۱۹۹۶ تا ۲۰۰۴، در مجموع ۵۰ عضو در رسیدگی‌های استینافی به عنوان شخص ثالث حضور داشتند. ورود به عنوان شخص ثالث جهت به‌دست آوردن درکی صحیح‌تر از روند رسیدگی‌ها، به‌ویژه برای کشورهای در حال توسعه عضو سازمان جهانی تجارت، تجربه سودمندی محسوب می‌شود. هم از آن‌رو که رسیدگی‌هایی از این دست به صورت محرمانه بوده و پشت درهای بسته صورت می‌گیرد. در مجموع، بیش از ۳۰ درصد از اعضای سازمان جهانی تجارت به عنوان تجدیدنظرخواه اصلی، سایر تجدیدنظرخواهان، تجدیدنظرخواندگان، و یا اشخاص ثالث، در جریان رسیدگی‌های استینافی شرکت داشته‌اند. خاطر نشان می‌گردد

که در مدت مشابه تنها ۲۱ درصد از اعضای سازمان ملل متحد درگیر رسیدگی‌های دیوان بین‌المللی دادگستری بوده‌اند.

بین سال‌های ۱۹۹۶ و ۲۰۰۴، از ۱۸ موافقتنامه تحت پوشش سازمان جهانی تجارت، مقررات ۱۳ موافقتنامه موضوع احکام صادره از سوی رکن استیناف بوده‌اند. مقررات تفاهمنامه حل اختلاف و گات ۱۹۹۴، معمول‌ترین این موضوعات در آرای رکن استیناف محسوب می‌شوند. رکن استیناف درباره مقررات تفاهمنامه حل اختلاف و نیز گات ۱۹۹۴، به ترتیب در ۳۶ و ۳۴ مورد از ۶۴ گزارش صادره خود، حکم صادر کرده است. مقررات موافقتنامه سوبسیدها و موافقتنامه اقدامات متقابل، و نیز موافقتنامه ضد دامپینگ به ترتیب در ۱۳ و ۱۲ مورد از گزارش‌های رکن استیناف محل اختلاف بودند. در حقیقت، تنها تعداد کمی از موافقتنامه‌ها که از اهمیت کمتری برخوردار بودند موضوع آرای رکن استیناف قرار نگرفته‌اند.

۵-۴) بهره‌گیری به عمل آمده از صلاحیت بازنگری استینافی

پنجمین عاملی که موجب اهمیت رکن استیناف گشته است عبارت از روش این رکن در به‌کارگیری صلاحیت خود در بازنگری‌های استینافی می‌باشد. همان‌گونه که بیان گردید متعاقب بند ۱۳ ماده ۱۷ تفاهمنامه حل اختلاف، رکن استیناف صلاحیت «تأیید، اصلاح یا نقض» آرای قضایی هیأت‌های رسیدگی را دارا است. در ۶۴ گزارش صادره بین سال‌های ۱۹۹۶ تا ۲۰۰۴ رکن استیناف در مجموع ۴۱۴ حکم صادر نموده که در ۳۴۹ مورد (۸۴ درصد)، این احکام تأیید، اصلاح یا نقض گردیده‌اند. در ۶۵ حکم باقی مانده (۱۶ درصد) نیز رکن استیناف دست به اقداماتی زده است که بند ۱۳ ماده ۱۷ تفاهمنامه حل اختلاف تصریحی در مورد آنها ندارد. در ارتباط با احکام تأیید، اصلاح یا نقض شده، ۶۶ درصد تأیید، ۳۱ درصد نقض و ۳ درصد اصلاح گردیده است. بنابراین،

۱- در بسیاری موارد رکن استیناف بدون آن که از واژه‌های «اصلاح» یا «نقض» استفاده کند، اقدام به اصلاح و نقض آراء نموده است. در این موارد رکن استیناف معمولاً (در تأیید حکم) بیان داشته است: «هیأت رسیدگی در ... ناکام نبوده است»، «هیأت رسیدگی در رأی خود مبنی بر ... به خطا نرفته است»، و یا به عکس (در نقض حکم) بیان داشته است: «هیأت رسیدگی در ... ناکام بوده است»، «هیأت رسیدگی در رأی خود مبنی بر ... به خطا رفته است».

سهم آرای تأیید شده توسط رکن استیناف بسیار قابل توجه بوده و نشانگر آن است که هیأت‌های رسیدگی کار خود را به خوبی انجام داده‌اند. از طرف دیگر، این آمار به‌ویژه در ارتباط با تعداد آرای تأیید یا اصلاح شده، تا حدودی گمراه‌کننده می‌باشد. مطالعه دقیق آرای رکن استیناف که در آنها گزارش هیأت رسیدگی تأیید شده است این نکته را روشن می‌سازد که در بسیاری از موارد این رکن در واقع با استدلال هیأت رسیدگی موافق نبوده و استدلال خود را جایگزین آن نموده است. در تعدادی از این موارد، بهتر آن بود که رکن استیناف «اصلاح» رأی هیأت رسیدگی در جریان بازنگری استینافی را اعلام می‌نمود، البته رکن استیناف با تأیید این آراء و نه اصلاح آنها، در واقع موقعیت هیأت‌های رسیدگی را تقویت نموده که در مجموع به نفع عملکرد نظام حل و فصل اختلاف سازمان جهانی تجارت است.

برخی بازرسان، به‌ویژه در روزهای نخستین تأسیس رکن استیناف، بیان داشتند که این رکن نسبت به هیأت‌های رسیدگی بی آن که نیازی وجود داشته باشد، سختگیر بوده است. نمونه‌ای از این «سختگیری» که مورد سرزنش نیز واقع شد در دعوی US-Wool shirts and Blouses مشاهده می‌شود که در آن بیان شده بود، استدلال هیأت رسیدگی «مظهر شفافیت» نمی‌باشد. در گزارش‌های بعدی، رکن استیناف از ارائه چنین نظریه‌های کنایه‌آمیزی خودداری نمود. در مجموع، لحن گزارش‌های رکن استیناف در چند سال آغازین، «معلم‌مآبانه» تلقی می‌گردید. این امر هرچند نوعی انتقاد محسوب می‌شد، اما اعضای وقت رکن استیناف چنین برداشتی نداشتند. از متن گزارش‌ها مشخص است که آنها استفاده از روش بسیار دقیق و «آموزنده» را در تشریح استنتاج‌های خود مفید می‌دانسته‌اند. با گذشت چند سال گزارش‌های رکن استیناف فنی‌تر گشته و برای افراد غیر متخصص، کمتر قابل فهم بود؛ هرچند که خواندن آنها در مقایسه با گزارش‌های هیأت‌های رسیدگی، همچنان نوعی لذت محسوب می‌شود. رکن استیناف حتی در دعوایی که با نظر هیأت رسیدگی موافق است، باز هم تیغه‌تیزی را به گردش در آورده و معمولاً این که سعی نماید مطلب مشابه به‌گونه‌ای دیگر و خوشبختانه قابل فهم‌تر بیان

شود را مفید می‌انگارد. رکن استیناف از این بابت، به غلط مورد انتقاد قرار گرفته است. مهمترین دلیل در «موفقیت» رویه قضایی رکن استیناف این بوده است که اعضای سازمان جهانی تجارت معمولاً استدلال مطرح شده در گزارش‌های این رکن را (هر چند که ممکن است موافق آن نباشند)، بسیار شفاف و گویا می‌دانند.

همان‌گونه که بیان شد، در ۶۵ مورد، یا ۱۶ درصد از ۴۱۴ حکم صادر شده، در گزارش‌های تنظیمی بین سال‌های ۱۹۹۶ تا ۲۰۰۴ رکن استیناف به اقدامی غیر از تأیید، اصلاح یا نقض رأی هیأت رسیدگی که صریحاً در بند ۱۳ ماده ۱۷ تفاهمنامه حل اختلاف بیان گردیده، متوسل شده است. این «اقدام دیگر»، شکل‌های مختلفی به خود گرفته است که شامل صدور حکم در مورد گستره بازنگری استینافی، صدور حکم در مورد موضوعات مربوط به آیین دادرسی و کاهش صدور رأی درباره موضوعات متفی شده می‌گردد. بی‌تردید شگفت‌آورترین شکل این «اقدام دیگر» توسط رکن استیناف، عبارت است از آنچه که معمولاً از آن با نام «تکمیل تحلیل حقوقی» یاد می‌شود؛ به این معنا که در مورد موضوعاتی که هیأت رسیدگی هیچ حکمی درباره آنها صادر نکرده است، رأی صادر می‌شود. در صورتی که حقایق مربوطه به اندازه کافی روشن باشد، رکن استیناف ممکن است برای آن که اختلافی حل نشده باقی نماند، تصمیم بر تکمیل تحلیل حقوقی بگیرد. برخی نویسندگان قویاً از رویه «تکمیل تحلیل حقوقی» انتقاد کرده‌اند؛ چرا که اولاً بسیار دشوار است که گفته شود، این رویه در قلمرو بند ۱۳ ماده ۱۷ تفاهمنامه حل اختلاف در حکم مربوط به تأیید، اصلاح و نقض آرای هیأت‌های رسیدگی می‌گنجد؛ چرا که اساساً رأی از سوی هیأت رسیدگی وجود ندارد. دوم آن که، با پرداختن به موضوعاتی که هیأت رسیدگی به آن نپرداخته است، اطراف دعوی از حق استیناف خویش که در تفاهمنامه حل اختلاف آمده، محروم می‌مانند. در مقابل، نویسندگان دیگری نیز از رویه رکن استیناف در «تکمیل تحلیل حقوقی» پشتیبانی کرده و این‌گونه استدلال نموده‌اند که در دعواهایی همچون US-Shrimp و EC-Hormones این رویه باعث اعتبار نظام حل اختلاف سازمان جهانی تجارت گشته است. از سوی

دیگر، همچنین گفته شده که تا زمان اصلاح تفاهمنامه حل اختلاف در زمینه نبود اختیار تعویق دادرسی، بهتر است رکن استیناف از به‌کارگیری رویه تکمیل تحلیل حقوقی، خودداری نموده و اختلاف‌هایی از این دست را حل نشده باقی گذارد. رکن استیناف نیز بین گزینه بد و بدتر می‌بایست یکی را انتخاب می‌کرد که اولی را برگزید.

هرچند رکن استیناف در برخی موارد گرایش به تکمیل تحلیل حقوقی و تمایل به ظاهر شدن به عنوان اولین دادگاه در این زمینه را داشته است، لیکن در موارد بسیار دیگری، خویشنداری قابل توجهی را از خود نشان داد تا از حدودی که در یک دعوی مشخص مورد نیاز است، فراتر نرود. رکن استیناف تلاش بسیار قابل توجه و البته نه همیشه موفقیت‌آمیزی را به عمل آورده است تا از اظهارنظرهای جنبی خودداری نماید. در حقیقت، حتی این رکن گاهی از بابت عدم «برداشتن گامی دیگر» در راستای روشن‌تر ساختن حقوق و در نتیجه جلوگیری از بروز اختلافات مرتبط در آینده، مورد انتقاد قرار گرفته است. البته رکن استیناف در گذشته و حال، به رعایت این خویشنداری توصیه شده است.

نگاه‌نهایی در ارتباط با روش رکن استیناف در به‌کارگیری صلاحیت خود در بازنگری استینافی، به این حقیقت مربوط می‌شود که تاکنون تنها در دو گزارش عضوی از اعضای رکن استیناف از امکان مذکور در بند ۱۱ ماده ۱۷ تفاهمنامه حل اختلاف جهت ابراز نظر شخصی خود استفاده نموده است. به همین علت، ابراز عقاید متفاوت در دعوای EC-Asbestos (2001) و US-Upland cotton (2005) از معدود مواردی هستند که در آن سه عضو بخش رسیدگی‌کننده، در تشکیل یک جبهه واحد ناتوان ماندند. قطعاً دعوای دیگری نیز وجود داشته‌اند که در آنها این سه عضو درباره نحوه استدلال در گزارش، توافق کامل نداشتند. اما در عین حال، رکن استیناف به خوبی متوجه این موضوع گردیده بود که ارجاع (مکرر) به عقاید متفاوت از اعتبار رویه قضایی این نهاد خواهد کاست.

۶-۴) رویه قضایی رکن استیناف

آخرین و به نحو قابل دفاعی، مهمترین عامل در کسب اهمیت رکن استیناف رویه

قضایی این نهاد بوده است؛ به‌ویژه در آن قسمت که به ایجاد تعادل میان تجارت آزاد و سایر ارزش‌های اجتماعی پرداخته و رعایت انصاف و کارایی در نظام حل اختلاف سازمان جهانی تجارت را تضمین کرده است.

در مجموع، رویه قضایی رکن استیناف، به دقت تجارت آزاد را به وسیله سایر ارزش‌های اجتماعی همچون حفظ سلامت جامعه، حفظ محیط زیست و حفظ حقوق مصرف‌کننده، تعدیل می‌نماید. البته این تعادل در ابتدا توسط بسیاری از مقررات موافقتنامه‌های سازمان جهانی تجارت مورد اشاره قرار گرفته بود، لیکن رکن استیناف آن را دقیقاً روشن نموده و در موارد خاص خود به کار بسته است. در نه سال گذشته رکن استیناف «مدافع» کورکورانه تجارت آزاد نبوده است. به عنوان مثال، این رکن در مورد مقررات گات ۱۹۹۴ یا موافقتنامه مربوط به امور بهداشتی و بهداشت گیاهی، یا موافقتنامه موانع فنی فراروی تجارت^۱ با اعتقاد به انگیزه‌های مشترک اعضای سازمان جهانی تجارت، زمانی که جهت تفسیر و اجرای این موافقتنامه‌ها اعلام نیاز می‌شد، تجارت آزاد را به وسیله سایر ارزش‌ها و منافع اجتماعی تعدیل نموده و بالاترین درجه احتیاط را برای اعضای سازمان جهانی تجارت جهت حفظ و اعتلای این اصول در نظر می‌گرفت. بهترین نمونه آن، گرایش رکن استیناف به استثنائات کلی مذکور در ماده ۲۰ موافقتنامه گات ۱۹۹۴ می‌باشد. هرچند ممکن است گفته شود که به عنوان یک قاعده عمومی پذیرفته شده، استثنائات باید به صورت مضیق تفسیر گردند و بنابراین، ماده ۲۰ نیز می‌بایست تفسیر مضیق شود، لیکن رکن استیناف از پذیرش این گرایش خودداری نموده است. در عوض، این رکن در دعوی US-Gasoline و US-Shrimp میان قاعده عمومی و استثنائات، نوعی تعادل برقرار نمود. رکن استیناف آشکارا تفسیر مضیق استثنائات مذکور در ماده ۲۰ را (که به عنوان نمونه عبارت است از استثنائات مربوط به موازین محدودکننده جهت حمایت از سلامت عمومی و حفظ محیط زیست) نامناسب می‌داند. ملاحظه می‌شود که رکن استیناف در دعوای اشاره شده، تعادل میان آزادسازی

1-The Agreement on Technical Barriers to Trade (T.B.T)

تجاری و سایر ارزش‌های اجتماعی را مورد حمایت قرار داد. این رکن همچنین، گستره قانونگذاری‌های محدودکننده تجارت و موازینی را که در پی ارزش‌ها و منافع به حق اجتماعی باشند، مورد تأکید قرار داده است. رکن استیناف همان‌گونه که در رویه قضایی آن نیز مشاهده می‌شود، حامی تعادل میان تجارت آزاد و سایر ارزش‌های اجتماعی و نیز تعادل میان قواعد بین‌المللی و حاکمیت ملی مذکور در موافقتنامه‌های سازمان جهانی تجارت می‌باشد. جایگاه ممتاز رکن استیناف و رویه قضایی آن تا حدود زیادی به این حقیقت مربوط می‌شود که این رکن حد تعادل‌ها را به درستی روشن ساخته است.

در آخر باید گفت، رکن استیناف همچنین به واسطه رویه قضایی خود که تضمین‌کننده انصاف و کارایی در نظام حل اختلاف سازمان جهانی تجارت می‌باشد توانمندی قابل توجهی را به دست آورده است. موافقتنامه قواعد و آیین دادرسی نظام حل اختلاف سازمان جهانی تجارت که دستاورد مذاکره‌کنندگان دور اروگوئه بوده و در تفاهمنامه حل اختلاف نیز منعکس گشته است بی‌تردید موفقیتی بزرگ محسوب می‌گردد. از سوی دیگر، زمانی که نظام حل اختلاف سازمان جهانی تجارت به کار گرفته شد، این نکته خیلی زود روشن گردید که شکاف‌های عمیقی میان قواعد و آیین دادرسی این نظام وجود دارد. هیأت‌های رسیدگی و رکن استیناف در همان دعوی اولیه پیش رو، با این شکاف‌ها مواجه گشتند. احکام رکن استیناف در مسائلی چون بار اثبات دعوا، کارایی قضایی، بهره‌گیری از کارشناسان، قبول و پذیرش دلیل، استاندارد بازنگری، (شامل) حقوق ثالث، داشتن حسن نیت در روند حل اختلاف‌ها و اظهارنظر توسط وکیل خصوصی، سهم مهمی را در عملکرد منصفانه و کارای نظام حل اختلاف سازمان جهانی تجارت ایفاء نموده است. این احکام نظام حل اختلاف را «تکمیل» نموده‌اند.

عالی‌ترین نمونه این مورد را می‌توان در احکام رکن استیناف در مورد اظهارنظر وکیل خصوصی در رسیدگی‌های این رکن و جلسات هیأت رسیدگی مشاهده نمود. تفاهمنامه حل اختلاف در مورد اظهارات طرف‌های دعوا در برابر رکن استیناف یا هیأت‌های رسیدگی موردی را بیان نمی‌کند. در دعوی EC-Bananas III این مسئله

مطرح شد که آیا یک وکیل خصوصی که در استخدام دولت نمی‌باشد، می‌تواند در رکن استیناف نماینده یکی از طرفین دعوا یا شخص ثالث (همچون سنت لوسیا)^۱ قرار گیرد؟ در حکم صادره از سوی رکن استیناف این‌گونه بیان شده است که نه در موافقتنامه سازمان جهانی تجارت یا تفاهمنامه حل اختلاف، و نه در حقوق بین‌الملل عرفی یا روند جاری در دادگاه‌های بین‌المللی، هیچ امری مانع از آن نمی‌شود که یک عضو سازمان جهانی تجارت ترکیب هیأت نمایندگی خود را جهت رسیدگی‌های نظام حل اختلاف در این سازمان تعیین نماید. بنابراین، هر عضو می‌تواند نسبت به این امر تصمیم‌گیری کند که بخشی از هیأت نمایندگی‌اش را وکلای خصوصی تشکیل داده تا در رسیدگی‌های نظام حل اختلاف سازمان جهانی تجارت نمایندگی آنها را بر عهده گیرند. گرچه حکم رکن استیناف به رسیدگی‌های جاری در خود این رکن مربوط می‌گردد، لیکن استدلال مطرح شده در این حکم می‌تواند هیأت‌های رسیدگی را نیز دربر داشته باشد. این حکم در گزارش هیأت رسیدگی در دعوی *Indonesia-Autos* که یک سال پس از گزارش رکن استیناف در ارتباط با دعوی *EC-Bananas III* پذیرفته شد، تأیید گردید. در حال حاضر، وکیل خصوصی به طور معمول، به عنوان عضوی از هیأت نمایندگی یکی از طرفین یا شخص ثالث، در هیأت‌های رسیدگی و به همان میزان در رسیدگی‌های رکن استیناف ظاهر می‌شود.

همان‌گونه که رکن استیناف در دعوی *EC-Bananas III* بیان داشته است؛ ایراد اظهارات توسط وکیل منتخب دولت‌ها- به‌خصوص در ارتباط با کشورهای در حال توسعه- از این جهت که آنها را قادر می‌سازد تا در روند رسیدگی‌ها مشارکت کامل داشته باشند، می‌تواند حائز اهمیت ویژه تلقی گردد.^۲ البته این‌گونه نبوده که اعضای سازمان جهانی تجارت، همگی و یا همیشه، با احکام رکن استیناف در مورد مسائل «شکلی» موافق باشند. از سوی دیگر، با استثناء نمودن آرای صادره بر اساس لوایح توجیهی ابراز شده از سوی «همیاران دادگاه»^۳، می‌توان گفت رویه قضایی رکن استیناف

1- Saint Lucia

۲- گزارش رکن استیناف در پرونده *EC-Bananas III*، پاراگراف ۱۲.

3- *Amicus Curiae*

در کل از استقبال اعضا برخوردار است. اعضای سازمان جهانی تجارت از اهمیتی که این رویه قضایی در کارکرد درست نظام حل اختلاف دارد، مطلع هستند.

۵) نتیجه گیری

از دیدگاه مذاکره‌کنندگان دور اروگوئه، رکن استیناف به عنوان قلب نظام حل اختلاف سازمان جهانی تجارت در نظر گرفته نشده بود. این نهاد بیشتر نوعی چاره‌اندیشی محسوب می‌گردید که به تأسیس روش تصویب شبه‌خودکار گزارش‌های هیأت‌های رسیدگی در نظام جدید حل اختلاف مربوط می‌شد. از سوی دیگر، رکن استیناف در مدت زمان اندکی به مهم‌ترین و معتبرترین ارگان نظام حل اختلاف در سازمان جهانی تجارت تبدیل گشت. این رکن در حال حاضر، در همه چیز به غیر از نام آن، یک «دادگاه جهانی تجارت» محسوب می‌شود. اهمیت سهمی که رکن استیناف در پیشرفت حقوق تجارت بین‌الملل دارد برای همگان امری شناخته شده است. عواملی که در یک دهه گذشته موجب امتیاز این رکن گردیده متعدد بوده است و اغلب با یکدیگر بسیار مرتبط می‌باشند.

این عوامل عبارتند از: ترکیب اولیه اعضای رکن استیناف و ترکیب‌های پس از آن، آیین دادرسی جهت بازنگری‌های استینافی، تصویب زودهنگام و اجرای هماهنگ قواعد تفسیر کنوانسیون وین، توسل به بازنگری استینافی به صورت معمول و گسترده، روش رکن استیناف در به‌کارگیری صلاحیت خود در بازنگری استینافی و در آخر رویه قضایی رکن استیناف تا به امروز و به ویژه در آن قسمت که به تعادل تجارت آزاد و سایر ارزش‌های اجتماعی و تضمین انصاف و کارایی در نظام حل اختلاف سازمان جهانی تجارت می‌پردازد. شناخت و در نظر داشتن صحیح این عوامل حائز اهمیت است؛ چرا که رکن استیناف تا زمانی جایگاه کنونی خود را در سازمان جهانی تجارت حفظ خواهد نمود و به صدور حکم ادامه خواهد داد که این عوامل تا حد کافی موجود باشند.